

سوی انتشارات مثنون^۱ انتشار یافت. جان بلوچ خبرنگار مطبوعاتی «دیلی تلگراف» (۱۹۶۹) و «شبکه‌ی جهانی بی.بی.سی.»، به‌عنوان ویراستار روزنامه‌های «خاورمیانه»^۲ و «دیپلماتیک»، فعالیت خود را آغاز نمود. کتاب‌های «ظهور جنگ: خاورمیانه سال ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۳»^۳، و «نبرد آخر: تهاجم اسرائیلی‌ها به لبنان و خلیج [فارس]»^۴ از جمله آثار اوست. هاروی موریس نیز «خبرنگار رویترا» در تهران و بیروت بوده است که بعداً به‌عنوان تدوین‌کننده‌ی بخش خاورمیانه‌ای روزنامه‌ی «ایندپندنت»، فعالیت خود را در این روزنامه آغاز کرد.

فرضیه‌ی اصلی نویسندگان کتاب جنگ خلیج فارس این است که «جنگ

1- Methuen

2- Middle East

3- The Making of the War: The Middle East from 1967 to 1973.

4- Final Conflict: The Israeli Invasion of Lebanon and the Gulf.

جنگ خلیج فارس

جان بلوچ

هاروی موریس

معرفی و نقد کتاب:

جنگ خلیج فارس

John Bulloch & Harvey Morris (1998). The Gulf War: Its origins, History and Consequences London Methuen Publication.

کتاب «جنگ خلیج [فارس]: ریشه‌ها، تاریخ و نتایج آن» که توسط «جان بلوچ» و «هاروی موریس» نوشته شده است، نخستین بار در سال ۱۹۸۹ از



زمانی، پایان جنگ و ادعای آتش‌بس در ۲۹ مرداد ۱۳۶۷ و عقب‌نشینی نیروهای دو طرف به مرزهای قبل از تهاجم عراق به ایران را از دیدگاه‌های متفاوت مورد توجه قرار می‌دهند. در این جنگ دو طرف بالغ بر ۳۵۰ میلیارد دلار هزینه کردند. در واقع، آنچه دو طرف را برای آتش‌بس متقاعد نمود، تحلیل رفتن توان دفاعی - نظامی‌شان بود که تحلیل‌گران نظامی غرب از آن به «توازن در ناتوانی»^۱ تعبیر می‌کردند. مقامات ایرانی ماهیت این جنگ را موفقیتی در تثبیت انقلاب و تصمیم به پایان دادن به آن را به منظور حراست از موقعیت به‌دست آمده اعلام کردند. امام خمینی اعلام کرد: «همه می‌دانند که ما آغازگر جنگ نبوده‌ایم. ما فقط از خودمان به منظور تضمین استمرار اسلام در جهان دفاع کرده‌ایم.» (ص ۳) جنگی که در آن اغلب کشورهای غربی و شوروی (براساس توافق‌نامه‌ی دوستی و همکاری سال ۱۹۷۲)، به‌واسطه‌ی گسترش دامنه‌ی جنگ به خلیج فارس و جنگ نفت‌کش‌ها، به خطر افتادن جریان عبور نفت، از بین رفتن امنیت و...، جملگی در اتخاذ تدابیری جدی برای مهار ایران به نفع عراق، به اشتراک نظر دست یافتند (صص ۸ و ۹).

نه برای سلطه‌جویی یا تصرف ارضی، بلکه ناشی از طرز تفکر دو طرف بود:

۱- صدام درصدد تحکیم موقعیت داخلی بود.

۲- ایران نیز با بهره‌گیری از مفهوم صدور انقلاب درصدد بهره‌گیری از نیروی عظیم داخلی در جهت تثبیت و استقرار حکومت بود.

حمله‌ی عراق به ایران در ۳۰ شهریور ۱۳۵۹ و با هدف تصرف خوزستان و آنچه که کمک به مردم عرب‌زبان این منطقه ادعا می‌شد، صورت گرفت. از سوی دیگر حمله‌ی عراق به ایران می‌توانست مانع از گسترش فعالیت‌های ایران برای صدور انقلاب شود که موجب وحشت حکام منطقه شده بود.» (ص XX).

کتاب به لحاظ شکلی در ۱۵ فصل در ۳۰۹ صفحه تنظیم شده است که با بررسی دقیق و مفصل وقایعی که از آغاز تا پایان جنگ عراق علیه ایران به‌وجود آمده است، تلاش می‌کند که درکی دقیق و مستند از این رویداد عظیم ارایه نماید.

در فصل اول، با عنوان «جام زهر [امام] خمینی» به چگونگی پایان یافتن جنگ و پی‌آمدهای آن توجه می‌شود. نویسندگان با بررسی وقایع دوران جنگ تحمیلی عراق علیه ایران به لحاظ

این حمله‌ی خیانتکارانه کار ترسوهایی است که می‌خواهند از قادسیه انتقام بگیرند» (ص ۲۲). قادسیه در این جا به رویارویی سپاه مسلمانان با ایرانی‌ها در سال ۱۲ ه.ق و شکست نیروهای ایران اشاره داشت.

بنابراین، روزنامه‌های وابسته به رژیم بعث تلاش زیادی نمودند تا جنگ ایران و عراق را «نبرد قادسیه» بنامند؛ اما این جنگ اغلب «جنگ صدام»^۱ لقب گرفت. ناپدید شدن و به قتل رسیدن آیت‌الله محمدباقر صدر - که از شیعیان طرفدار امام خمینی در عراق بود - (۱۹ فروردین ۱۳۵۹)، تحریک نیروهای جدایی طلب در خوزستان از سوی عراق، بیرون راندن ایرانی‌های مقیم عراق و گروگان‌گیری از سفارت ایران در انگلستان جهت اعمال فشار برای استقلال خوزستان (که از سوی عراق حمایت می‌شد)، درخواست صدام از نیروهای ایرانی برای ترک جزایر سه‌گانه‌ی ابوموسی، تنب کوچک و تنب بزرگ از جمله اقدامات تنش‌زا در روابط دو کشور بود. با بحرانی‌تر شدن اوضاع، صدام در مجلس عراق اعلام کرد «هدف من محصور نمودن آیت‌الله و ممانعت از صدور انقلاب توسط وی

از این‌رو، ایران علاوه بر این‌که جنگ را تحمیلی می‌دانست، صلح را نیز تحمیلی می‌دانست؛ زیرا فشار کشورهای غربی و شوروی موجب تضعیف بنیه‌ی نظامی - اقتصادی ایران شده بود. از این‌رو، امام خمینی از پذیرش قطعنامه‌ی ۵۹۸ سازمان ملل مبنی بر آتش‌بس، به نوشیدن «جام زهر»^۲ تعبیر نمود.

عنوان فصل دوم، «زمینه‌سازی برای جنگ»^۳ است. ریشه‌های اختلاف ایران و عراق به انقلاب ایران در بهمن ۱۳۵۷ بازمی‌گشت که موجب ظهور نوعی تضاد ایدئولوژیک میان دو حکومت شد. روزنامه‌های ایرانی در این مقطع به‌طور مرتب از انتقال گسترده‌ی مهمات در بهار ۱۳۵۹ خبر می‌دادند (ص ۲۲). یکی از وقایع مهمی که در این مقطع تنش میان دو کشور را فزونی بخشید، سوءقصد به جان طارق عزیز - نخست‌وزیر عراق - از سوی یک دانشجوی عراقی بود که در این جریان، ایران در مظان اتهام قرار گرفت. صدام یک روز پس از این واقعه گفت: «سه بار سوگند یاد می‌کنم که خونی که در آن‌جا ریخته شد، فراموش نخواهد شد.

1- Poisoned chalice

2- Preparation for war

3- Saddams war



فصل سوم با عنوان «شکست حمله‌ی رعدآسای عراق»، با اذعان به تجاوزگری نیروهای عراقی به صورتی گسترده، در ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ به قلمرو سرزمینی ایران، به بررسی اهداف استراتژیک صدام می‌پردازد. اولین اهداف عینی نیروهای عراق، تصرف شهرهای قصر شیرین در غرب، آبادان، خرمشهر و دزفول در جنوب بود (صص ۴۰-۴۴). در ادامه، ضمن برشمردن چگونگی شکل‌گیری نیروهای نظامی در ایران، اهمیت مسأله‌ی نفت به‌عنوان منبع اصلی صادرات کشور ایران، بافت جمعیتی مناطق مختلف کشور، چگونگی تصرف سرزمین ایران از سوی نیروهای عراقی و تلاش برای جلب نظر نیروهای کرد برای جهت خودمختاری کردستان (ایران) مورد توجه قرار می‌گرفت (صص ۴۸-۵۱). با حمله‌ی عراق به ایران، کشورهایی نظیر اسرائیل خرسند بودند. امریکا و شوروی نیز به‌طور محتاطانه‌ای بی‌طرف بودند و دولت‌های سازنده‌ی سلاح نیز از چنین رخدادی مسرور بودند. کشورهای عربی نیز هر چند می‌دانستند که عراق قادر به مهار انقلاب ایران و خاموش کردن آن نمی‌باشد؛ اما

می‌باشد و شما باید از من حمایت کنید» (ص ۳۲).

ادعای عراقی‌ها برای آغاز جنگ، نقض قرارداد الجزیره از سوی ایرانی‌ها بود که در سال ۱۹۷۵ امضا شده بود. درواقع، عراق درصدد برهم زدن ترتیباتی بود که براساس آن اروندرود (شط‌العرب) به‌صورت تالوگ تقسیم شده بود و با این اقدامات درصدد گستراندن کنترل خود بر تمام این رود بود (ص ۳۵). صدام حسین در شهریور ۱۳۵۹ با بی‌اعتبار خواندن قرارداد ۱۹۷۵ گفت: «آب شط‌العرب باید به عراق و حکومت عربی بازگردد و کاملاً تحت کنترل حکومت عراق باشد» (ص ۳۸).

این موضع‌گیری عراق با حمایت و پشتوانه‌ی مالی کشورهای نظیر عربستان سعودی، کویت، قطر، اردن و تا حدودی امارات متحده‌ی عربی مواجه شد؛ اما هنوز یک مؤلفه‌ی اساسی دیگر نیز باقی بود: ایالات متحده‌ی امریکا. مقامات پنتاگون بر این اعتقاد بودند که نیروهای عراقی خواهند توانست ایران را شکست دهند یا حداقل آن را محدود کنند (ص ۳۳). از این‌رو، علی‌رغم تأکید همیشگی و مستمر بر حفظ صلح و ثبات در خلیج فارس، مخالفتی با سیاست‌های جنگ‌طلبانه‌ی عراق نشان ندادند.

۷۰ و ۷۱). میزان خشونت‌های سیاسی به‌طور اخص در ارتباط با کردها بیش‌تر بود که حتی در قالب حملات هوایی به شهرهای سلیمانیه و اربیل صورت می‌گرفت (ص ۷۳). به‌طور کلی، رژیم صدام، رژیم توتالیتاریستی، تک‌حزبی و مبتنی بر وجوهی شخصی‌گرایانه بود که با بهره‌گیری از مفاهیم ماکیاولیستی، ترس و خشونت را موجب بقای خود می‌دانست (صص ۷۴ و ۷۵).

فصل پنجم به بحث پیرامون «صدور انقلاب اسلامی»^۳ می‌پردازد. در ابتدا، منازعه‌ی اعراب و اسرائیل در قالب مسأله‌ی فلسطین مورد توجه قرار می‌گیرد و به چگونگی رویارویی اسرائیلی‌ها در جنگ ۱۳۶۱ با اعراب و به خصوص مواضع سوریه و لبنان پرداخته می‌شود (صص ۸۴-۸۷). نکته‌ی قابل ملاحظه، تأکید بر ظهور گرایش‌های بین‌المللی‌گرایانه‌ی «پان‌اسلامیست‌هایی» (اسلام‌گرایانی) است که مسأله‌ی فلسطین را به‌عنوان مسأله‌ای مربوط به جهان اسلام می‌دانستند و در تلاش بودند تا زمینه‌های لازم را برای حمایت از جنبش آزادی‌بخش فلسطین (P.L.O)، حزب امل و حزب‌الله فراهم آورند. علی‌اکبر محتشمی، هادی غفاری،

معتقد بودند که این اقدام حداقل می‌تواند عراق را در کانون توجه و تمرکز ایران قرار دهد و مانع از آن شود که ایران توان حضور فعالانه در سایر کشورها را داشته باشد (ص ۵۶).

عنوان فصل چهارم، «ایران و عراق: منازعات داخلی»^۱ است. در بحث از جامعه‌ی سیاسی ایران، بحران‌های داخلی نظیر عدم اتخاذ مواضع پیشروانه در دوران فرماندهی بنی‌صدر بر کل قوا، بحران گروگان‌گیری که ۴۴۴ روز به طول انجامید، شهادت آیت‌الله بهشتی به همراه نیروهای حزب جمهوری اسلامی، منازعه‌ی سیاسی میان نیروهای چپ، لیبرال، ملی‌گرایان و اصول‌گرایان اسلامی مورد توجه قرار می‌گیرد (صص ۵۷-۷۰). در بحث پیرامون ساختار سیاسی عراق، نویسندگان ضمن برشمردن خصیصه‌های «دولت پلیسی»^۲ عراق معتقدند که رژیم سیاسی عراق توانسته بود با بهره‌گیری از نیروهای گسترده‌ای از خبرچینان و جاسوسان، ترس و وحشت را برقرار سازد. این اقدامات همراه با اعدام گسترده‌ی مخالفین سیاسی در زندان ابوغریب و شکنجه و بازداشت مخالفین بود (صص

1- Iran and Iraq: Internal war

2- Police state



(شکست حصر آبادان) و تجهیزات نظامی گسترده‌ای را به غنیمت گرفته و حدود دو هزار عراقی را به اسارت گیرند. آمادگی ایران برای بازپس‌گیری مناطق تصرف شده در مهر ۱۳۶۱ آشکار شد؛ زیرا محسن رضایی، فرماندهی سپاه، گفت که ایران به زودی کربلا را تصرف خواهد کرد. این سخن به معنای آغاز حملاتی گسترده بود که موجب شد صدام حسین تلاش بین‌المللی گسترده‌ای را برای اعلام آتش‌بس براساس موقعیت فعلی به عمل آورد. کاملاً روشن بود که ایران حاضر به پذیرش اشغال کشورش نبود (ص ۱۱۱)؛ زیرا هنوز بخش‌های عمده‌ای از سرزمین ایران در اشغال نیروهای عراقی بود.

با شروع حملات ایران علیه تجاوزگران، شهرهای شوش و دزفول در عملیات فتح‌المبین آزاد شد [از تیررس نیروها عراقی خارج شد] و در مرحله‌ی بعد - اردیبهشت و خرداد ۱۳۶۱ - شهرهای خرمشهر و اهواز نیز آزاد شد (صص ۱۱۲ و ۱۱۳). ایران در این مقطع توانسته بود از موضع قدرت دفاع کند و کشورهای عرب حامی عراق نیز شاهد پیروزی‌های گسترده‌ی

محسن رفیق‌دوست، حسین شیخ‌الاسلام و محمد منتظری از جمله شخصیت‌های ایرانی طرفدار حمایت از فلسطین بودند (صص ۹۲-۹۵). بررسی مسأله‌ی گروگان‌گیری در لبنان و آمدن «مک فارلین» به ایران جهت حل مسأله‌ی گروگان‌ها از دیگر مباحث این فصل است (صص ۹۸-۱۰۰).

فصل ششم با عنوان «خرمشهر: خونین‌شهر (شهر خون)» به چگونگی پیشروی نیروهای عراقی در خاک ایران که بالغ بر ۷/۰۰۰ مایل مربع از خاک ایران را شامل می‌شد، می‌پردازد. ایران نیز با اعلام «جنگ تحمیلی» از مفهوم «جهاد» بر علیه هرگونه تجاوز خارجی بهره‌گرفت و توانست به تجهیز نیروهای نظامی و چریکی خود در قالب سپاه پاسداران و بسیج پردازد (صص ۱۰۱-۱۰۳). از سوی دیگر، صدام مترصد آن بود تا با طرح «گرایشات پان‌عربی» خود را رهبر مبارزات اعراب علیه دشمنان دیرینه‌شان - یعنی فارس‌ها - معرفی کند. ایران نیز با معرفی انقلاب خود به عنوان «انقلاب اسلامی» درصدد جلب همدلی نیروهای مسلمان - اعم از شیعه و سنی - بود (ص ۱۰۹).

به دنبال تهاجم نیروهای عراق به خاک ایران، نیروهای ایرانی در مهر ۱۳۶۰ توانستند آبادان را آزاد کنند

عطف آن است (صص ۱۳۱-۱۳۳). بنابراین، این اقدام به عنوان سمبل عینی گرایش‌های ضد امریکایی انقلاب ایران تلقی می‌گردد (ص ۱۳۵). تلاش برای آزادی گروگان‌ها - که به شکست انجامید - فراهم آوردن زمینه‌ی کودتا [کودتای نوژه] و همکاری با عراق جهت اعمال فشار بر ایران از دیگر مباحث این فصل در رابطه با جهت‌گیری سیاست خارجی امریکا در قبال ایران است (صص ۱۳۹-۱۴۳).

در فصل هشتم با عنوان «تغییر وضعیت» شکست عراق در سال ۱۳۶۱ و عقب‌نشینی از خاک ایران مورد توجه قرار می‌گیرد. این امر موجب شد که مردم عراق پی ببرند شکست سختی متحمل شده‌اند و همین امر موجب ترس آن‌ها از آینده می‌شد. در واقع، ایرانی‌ها توانسته بودند به هدف بزرگی دست یابند که حکومت عراق در دست‌یابی به آن شکست خورده بود: همبستگی مردم. این لحظات به خصوص برای صدام لحظات دشوار و پرمشقتی بود (صص ۱۴۴ و ۱۴۵). در نتیجه، صدام در واکنش به افرادی که این جنگ را «جنگ صدام» می‌خواندند، درصدد برآمد که برای کاستن از بار

ایران بودند (ص ۱۱۴). در پایان این فصل، تلاش مقامات سیاسی کشورهای نظیر سوئد، ترکیه، کوبا، الجزایر، سازمان کنفرانس اسلامی، جنبش غیرمتعهد، جامعه‌ی عرب و سازمان آزادی‌بخش فلسطین برای برقراری صلح میان دو کشور مورد توجه قرار گرفته است.

«امریکا: شیطان بزرگ» عنوان فصل هفتم است که به بررسی چگونگی اتخاذ مواضع ضد امریکایی در انقلاب اسلامی ایران توجه می‌شود. در این فصل، ضمن بررسی مناسبات سیاسی میان دو کشور ایران و امریکا از سال ۱۳۲۲، به وقایعی نظیر کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و نقش امریکا در آن، روی‌کرد مقامات امریکایی نسبت به رژیم شاه و حضور مؤثر امریکا در ایران پرداخته می‌شود. به‌زعم نویسندگان، سطح مناسبات دو کشور در رژیم پهلوی به حدی بود که از نظر انقلابیون ایران، شعار مرگ بر شاه و مرگ بر امریکا، دو بعد آزادی و استقلال را دربرداشت (صص ۱۲۴-۱۳۰). مواجهه‌ی امریکا با انقلاب ایران موجب شد که انقلابیون روی‌کردی مقابله‌جویانه اتخاذ نمایند که تسخیر سفارت امریکا - که از آن به انقلاب دوم یاد شد - نقطه‌ی



شوروی مواجه شد؛ زیرا دو ابرقدرت به این اجماع رسیده بودند که می‌بایست مانع پیروزی ایران و حفظ توازن بین دو طرف شد. امریکا با در اختیار قراردادن تصاویر و اطلاعات ماهواره‌ای از نحوه‌ی تمرکز نیروهای ایرانی و تحرکات آن‌ها، و شوروی نیز با در اختیار قراردادن تجهیزات نظامی در این زمینه، نقش مهمی ایفا نمودند (صص ۱۵۸ و ۱۵۹).

فصل نهم با عنوان «متحذران بی‌رغبت: تهدید برای خلیج فارس»، به چگونگی هم‌سویی کشورهای عربی حوزه‌ی خلیج فارس با مواضع عراق در قبال ایران می‌پردازد. کویت به‌عنوان کشوری که برخوردار از ۳۰ درصد شیعه و تعداد زیادی ایرانی مقیم بود، با توجه به ترسی که از پایان جنگ به نفع ایران داشت (با تصورات خاص آن‌ها از صدور انقلاب اسلامی و تهدید ثبات)، منافع کوتاه مدت خود را در حمایت از عراق دنبال می‌کرد. هر چند در درازمدت کویت می‌بایست در مقابل اهداف گسترش طلبانه‌ی عراق ایستادگی نماید (صص ۱۶۲). عربستان نیز با توجه به ساختار پادشاهی خود، از بروز بی‌ثباتی سیاسی به دنبال انقلاب اسلامی نگران بود و ایران نیز مقامات عربستان را «نالایق» و «مزدور» می‌خواند که

انتقاداتی که وی را عامل و بانی جنگ می‌دانست، با برگزاری انتخابات مجلس ملی، قدرت خود را در سایه اعمال کند. مجلسی که در واقعیت امر، نه یک مجلس دارای قدرت قانونگذاری، بلکه صرفاً «مشورتی» بود. صدام هم‌چنین تلاش نمود تا ایران را متقاعد نماید که هدف اولیه‌ی کشورهای اسلامی، مبارزه علیه صهیونیسم است؛ اما مقامات ایران در پاسخ، هدف اولیه‌ی خود را فتح بغداد دانستند. این در حالی بود که بصره - شهر استراتژیک عراق - می‌بایست نقش تعیین‌کننده‌ای در عبور نیروهای ایرانی به بغداد را ایفا نماید. شیعیان جنوب عراق نیز به رهبری «عبدالباقر حکیم»^۱ می‌بایست نقشی مؤثر در براندازی حکومت سکولاریستی صدام ایفا نمایند (صص ۱۴۷ و ۱۴۸).

تلاش صدام برای حمله به مناطق نفتی ایران در خلیج فارس و همکاری کشورهای نظیر اردن، کویت، عربستان سعودی و مصر در قالب همکاری‌های نظامی و اعزام نیرو موجب تغییر موازنه به سود عراق شد (صص ۱۵۵-۱۵۸). عملیات رمضان نیز که در واکنش به اقدامات عراق و با هدف فتح بصره آغاز شد با مقابله‌ی کشورهای امریکا و

در روند جنگ بود که موجب نگرانی جامعه‌ی بین‌المللی شد و شورای امنیت سازمان ملل متحد در قالب قطعنامه‌هایی که آخرین آن‌ها قطعنامه‌ی «۵۹۸» بود، درصدد حل مناقشه‌ی میان دو طرف و اعلام آتش برآمد. این در حالی بود که در این مقطع، امریکا روابط خود را به نحو گسترده‌ای با عراق توسعه داده بود (صص ۱۷۸ و ۱۷۹).

فصل دهم با عنوان «اسرار تجهیزات نظامی»^۳، به چگونگی دست‌یابی عراق به سلاح شیمیایی می‌پردازد. رژیم بعث علی‌رغم امضای پیمان «منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای» با جلب همکاری کشور فرانسه و انعقاد موافقتنامه‌ای در سال ۱۹۷۵، توانست تحت لوای فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز به نصب دو رآکتور اتمی اقدام نماید و ۸۴ کیلوگرم اورانیوم غنی شده با عیار بالا^۴ را تهیه نماید (صص ۱۷۹). اسرائیل به‌عنوان تنها دارنده‌ی بمب اتمی در منطقه، درصدد برآمد تا برای حفظ انحصار خود، اقدامات گسترده‌ای را برای انهدام توان اتمی عراق به کارگیرد که حمله‌ی تیر ۱۳۶۰ به پایگاه اتمی «اوسیراک»^۵

لیاقت حفاظت از حرمین شریفین را ندارند (صص ۱۶۳ و ۱۶۴). بحرین نیز روابطی تیره با ایران داشت؛ زیرا مقامات ایرانی به حکومت اقلیت ۲۰ درصدی سنی مذهب بر اکثریت ۸۰ درصد شیعه مذهب آن انتقاد داشتند. در نتیجه، هنگامی که در این کشور تلاش برای کودتایی که از سوی ایران حمایت می‌شد خنثی شد، روابط دو کشور تیره شد (صص ۱۶۵) تنها کشوری که در این منطقه روابط دوستانه‌ای با ایران داشت، کشور عمان بود.

اقدام کشور فرانسه در تعلیم نیروهای هوایی عراق برای حمله به سکوهای نفتی ایران (صص ۱۷۳)، اعزام ناو اسکادران «آرمیلا پاترول»^۱ از سوی انگلیس به منطقه‌ی خلیج فارس (صص ۱۷۴) و حضور مؤثر امریکا در این منطقه موجب شد ابعاد و دامنه‌های جنگ در دریا گسترش یابد و خسارات گسترده‌ای به تأسیسات نفتی ایران وارد شود (صص ۱۷۴ و ۱۷۵). این رویارویی‌ها میان دو کشور ایران و عراق از سال ۱۹۸۴ به «جنگ نفت‌کش‌ها»^۲ مشهور شد. کاربرد سلاح‌های شیمیایی توسط عراق از سال ۱۹۸۴ به بعد نیز واقعه‌ی مهم دیگری

3- Secret Arms deals

4- Highly enriched uranium

5- Osirak

1- Armilla Patrol

2- The Tankers war



سیاست دوگانه‌ی شوروی در خلیج فارس مورد بحث قرار می‌گیرد که از یک سو درصدد تجهیز نظامی عراق بود و از سوی دیگر می‌خواست با نفوذ از طریق حزب توده در ایران، گرایش ضدامریکایی را در ایران تشدید نماید؛ اما پناهنده شدن «ولادیمیر کوریچکن» - دیپلمات سفارت شوروی در تهران - به لندن، اقدامات جاسوسی شوروی در ایران فاش شد. این امر موجب شد که در سال ۱۹۸۳ فعالیت‌های حزب توده در ایران متوقف شود و «نورالدین کیانوری»، دبیر کل حزب توده، در تلویزیون به افشای جاسوسی خود برای شوروی بپردازد (صص ۱۹۷ و ۱۹۸).

از سوی دیگر، شوروی براساس موافقت‌نامه همکاری با عراق، به یکی از تأمین‌کنندگان تجهیزات نظامی عراق تبدیل شد. در ادامه‌ی این فصل، مناسبات دو کشور ایران و شوروی طی ۲۵ سال اخیر، موضوع اشغال افغانستان، کمک‌های شوروی در سال‌های آخر جنگ به ایران، علی‌رغم کمک هم‌زمان به عراق و موضع شوروی درباره‌ی آتش‌بس، مورد بررسی قرار می‌گیرد (صص ۲۱۰-۲۱۳).

«منازعه‌ی قدرت در تهران»^۳، عنوان

(که از جانب فرانسوی‌ها به همین نام و از جانب عراقی‌ها به نام «تموز»^۱ خوانده می‌شد)، گسترده‌ترین و موفقیت‌آمیزترین آن‌ها بود (صص ۱۸۱-۱۸۳).

این واقعه نیز نتوانست مانع دست‌یابی عراق به سلاح‌های اتمی شود و در ادامه، همکاری‌های گسترده‌تری با فرانسه ادامه یافت. در واقع، عراق بیش از ۵۰ درصد بودجه‌ی خود را صرف امور نظامی نمود (ص ۱۸۵). در حالی که ایران به خاطر جمعیت بیش‌تر و نیازهای داخلی، تنها ۲۵ درصد از درآمد سرانه‌ی خود را به جنگ اختصاص داده بود و بیش‌تر سرمایه‌گذاری‌ها در زمینه‌ی تجهیزات نظامی به دوران شاه بازمی‌گشت (ص ۱۸۷). آن‌چه که به‌زعم نویسندگان در این‌جا قابل توجه است، موفقیت ایران در اداره‌ی جنگی هشت ساله است که در آن علی‌رغم محدودیت‌هایی که از سوی دو ابرقدرت برای خرید تجهیزات نظامی داشت، توانست در داخل کشور یا از طریق دول ثالث نیازهای نظامی خود را برطرف کند (ص ۱۹۶).

در فصل یازدهم با عنوان «اتحاد جماهیر شوروی: شیطان دیگر»^۲،

1- Tammuz

2- The Soviet Union: The other satan

3- The struggle for power in Tehran

می‌پردازد. این اقدام عراق، به نحو کاملاً روشنی از سوی امریکا پشتیبانی شد؛ زیرا ریگان ایران را کشوری شرور^۲ خواند و قول داد که تعداد کشتی‌های امریکا در خلیج فارس از هفت فروند، به حدود هشتاد فروند برسد (ص ۲۳۲). در واقع امریکا درصدد بود با تقویت مواضع عراق در حملات هوایی، موقعیت ایران را در پیشروی از سمت اروندرود به سمت بصره و کربلا تضعیف نماید. رفسنجانی با درک رویکرد امریکا در قبال عراق گفت: «در حقیقت ما در حال حاضر در جنگ با ایالات متحده هستیم» (ص ۲۳۴).

حملات گسترده‌ی عراق به تأسیسات صنعتی - نفتی ایران که با پشتیبانی رادارهای امریکا صورت می‌گرفت، موجب وخامت اوضاع اقتصادی ایران شد؛ به طوری که بدهی‌های درازمدت ایران در پایان جنگ بالغ بر ۵۰۰ میلیون دلار و بدهی‌های کوتاه مدت به ۴ میلیارد دلار رسید (صص ۲۳۷ و ۲۳۸) یکی از وقایعی که در ۱۲ تیر ۱۳۶۷ رخ داد، ساقط نمودن هواپیمای مسافربری «ایرباس» با ۲۹۰ سرنشین بود که از سوی ناو امریکایی «وینسنس» مورد

فصل دوازدهم است که به بررسی نیروهای سیاسی ایران در دوران پس از انقلاب در دو جناح «عمل‌گرا» و «آرمان‌گرای اسلامی» می‌پردازد. جناح عمل‌گرا با اعتقاد به الزامات دولت ملی، درصدد رفع مناقشه با سایر کشورها و مذاکره با عراق جهت پایان جنگ بود. شخصیت برجسته‌ی این جناح «علی‌اکبر هاشمی‌رفسنجانی» بود؛ اما در مقابل، جناح آرمان‌گرای اسلامی با الگو قرار دادن جامعه‌ی اسلامی عصر پیامبر (امت)، درصدد احیای آن بود و گرایشات تقابلی‌گرایانه‌تری داشت (صص ۲۱۶ و ۲۱۷). در این طیف، علی‌اکبر محتشمی و میرحسین موسوی ایفای نقش می‌کردند. بررسی مواضع جناح‌های سیاسی در انتخابات مجلس در بهار ۱۳۶۸ (مجلس سوم)، نحوه‌ی حضور نیروهای سیاسی، چگونگی مواجهه با غرب و کشورهای دیگر، توقف یا ادامه جنگ از دیگر مباحثی است که به تفصیل مورد توجه قرار گرفته است.

فصل سیزدهم با عنوان «جنگ در دریا: امریکا به آن ملحق می‌شود»، به بررسی تدابیر راهبردی عراق جهت ضربه زدن به مناطق نفتی ایران در دریا



که با شکست مواجه شد، موجب شد جامعه‌ی بین‌المللی مواضع صلح‌جویانه‌ی ایران را مورد پشتیبانی قرار دهد و عراق به‌عنوان «متجاوز»^۲ به رسمیت شناخته شود (صص ۲۵۵-۲۵۸). از دیگر مباحث این فصل، حمله‌ی شیمیایی عراق به منطقه‌ی حلبچه در اواخر جنگ است که تلفات انسانی ناشی از آن، یکی از تراژیک‌ترین وقایع قرن بیستم است. در این حمله، حدود ۵۰۰۰ کُرد غیرنظامی کشته شدند و بیش از ۱۰۰ هزار نفر به ترکیه و ۲۰ هزار نفر به ایران پناهنده شدند (صص ۲۶۱-۲۶۳). عنوان واپسین فصل کتاب، «اسلام تقسیم شده: منازعه باقی می‌ماند»^۴ است که به بحث پیرامون چگونگی پذیرش آتش‌بس و مواضع نیروهای سیاسی دربارهی جنگ می‌پردازد. به‌زعم نویسندگان، کاهش قیمت نفت، فقدان برنامه‌ی منسجم در امور کشاورزی، بروز کمبایی در کالاها و رشد جمعیت در ایران که منجر به ایجاد تقاضاهای جدیدی می‌شد، از جمله عواملی بودند که ایران را در پایان جنگ تحت تأثیر قرار می‌داد (صص ۲۷۰ و ۲۷۱). ساختارهای اقتصادی ایران نیز به خاطر

هدف قرار گرفت. کاپیتان این ناو، علی‌رغم برخورداری از سیستم‌های پیشرفته و فوق‌مدرن راداری، مدعی شد که تصور نموده است به هوایمای F-14 نظامی که قصد حمله به ناو را داشته است شلیک نموده است (صص ۲۴۵). این فصل با بحث پیرامون پذیرش قطعنامه‌ی ۵۹۸ که آتش‌بس میان دو طرف (ایران و عراق) را برقرار می‌نمود به پایان می‌رسد.

عنوان فصل چهاردهم، «نبردهای جدید برای تصفیه حساب قدیمی»^۱ است که به بررسی چگونگی پذیرش قطعنامه‌ی ۵۹۸ مبنی بر آتش‌بس میان دو کشور ایران و عراق و مواضع سازمان مجاهدین خلق [منافقین] می‌پردازد. در این میان، بحث پیرامون مواضع سازمان مجاهدین خلق و خیانت^۲ آن‌ها به ایران، به دلیل هم‌پیمانی با صدام حسین مورد توجه قرار می‌گیرد. مجاهدین، هم‌زمان با طرح اعلام آتش‌بس از سوی ایران، صدام را متقاعد نمودند که به مدت یک ماه آتش‌بس را به تأخیر اندازد تا طی عملیاتی نظامی به خاک ایران دست‌اندازی کنند و تا تهران پیشروی را ادامه دهند. این اقدام آن‌ها

3- Aggressor

4- Islam divided: the conflict remains

1- New battles to settle old scores

2- Triators

عراق را براساس روایتی مستند و غیرجانبدارانه مورد بررسی قرار داده است. این نحوه‌ی نگارش واقع‌بینانه‌ی نویسندگان به وقایع دوران جنگ، موجب شده است که خوانندگان با همدلی بیش‌تری مطالب کتاب را پی‌گیری نمایند و با استنادات دقیق مندرج در متن کتاب، اعتماد بیش‌تری به نویسندگان داشته باشد. توجه دقیق به ساختارهای داخلی کشورهای ایران و عراق، منازعات سیاسی در درون دو کشور، مواضع دو ابرقدرت و کشورهای منطقه در قبال جنگ و چگونگی خاتمه‌ی جنگ از جمله مسایلی است که این کتاب را برجسته می‌سازد.

در نقد جنبه‌های شکلی و محتوایی این کتاب نیز می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱- این کتاب، نوشتاری است توصیفی، نه تئوریک. در واقع، این اثر، فاقد سازمان پژوهش به معنای آکادمیک آن‌که دربرگیرنده‌ی عناصری نظیر سؤال اصلی، سؤالات فرعی، فرضیات پژوهش و سازماندهی پژوهش است. در نتیجه، این مجموعه در نگاه اول، یک کل منسجم و هم‌آهنگ به نظر نمی‌رسد. از آن‌جا که نویسندگان کتاب بیش از آن‌که گرایشات آکادمیک داشته باشند، روزنامه‌نگار هستند. بنابراین،

آسیب‌دیدگی، نیازمند بازسازی بود (ص ۲۷۶)، هر دو کشور ایران و عراق با تقاضاهایی در میان مردم‌شان روبه‌رو بودند که با محدودیت‌های سیاسی و اقتصادی در طول هشت سال جنگ مواجه شده بود. انفجار جمعیتی نیز یکی از معضلاتی بود که در ایران بیش‌تر نمود داشت (صص ۲۷۷ و ۲۷۸) این مسأله موجب می‌شد، ایران با در پیش گرفتن سیاستی عمل‌گرایانه‌تر روابط خود را با غرب و کشورهای منطقه بهبود بخشد (ص ۲۷۹). از سوی دیگر، نکته‌ی بسیار مهم در این مقطع (۱۳۶۷)، دستیابی دو ابرقدرت به یک اجماع در رابطه با تلاش برای پایان دادن به منازعات منطقه‌ای در آنگولا، افغانستان و خلیج فارس بود. تضعیف مواضع کشور ایران و عراق نیز به خاطر تحمیل ۳۵۰ میلیارد دلار خسارت، بیش از پیش اهمیت این روی‌کرد ابرقدرت‌ها را بیش‌تر می‌نمود (ص ۲۷۶). بنابراین، محتمل بود که دو کشور سرانجام با اعلام پذیرش قطعنامه‌ی ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد، زمینه را برای آتش‌بس فراهم آورند.

نقد و بررسی کتاب

کتاب «جنگ خلیج [فارس]» از جمله نادر کتاب‌هایی است که جنگ ایران و



۴- نویسندگان این کتاب بدون توجه جدی به این نکته‌ی مهم که مطالب مندرج در این کتاب می‌بایست به صورتی منسجم و پیوسته ارائه گردد، در قالب مقالاتی بعضاً غیرمرتبط (فصل اول و فصل یازدهم)، دارای هم‌پوشی و مطالب تکراری، موجب ملال خوانندگان می‌شود. بسیاری از مطالب مندرج در این کتاب، فاقد یک پیوستگی زمانی نیز می‌باشند و در بعضی فصول، مطالب برای چندبار متوالی تکرار می‌شوند؛ به طوری که مسأله‌ی آتش‌بس در قالب قطعنامه‌ی ۵۹۸ در بیش‌تر فصول کتاب مطرح شده است. این امر نشان می‌دهد که هر یک از نویسندگان عهده‌دار تدوین مقالاتی بوده‌اند و بدون توجه به ضرورت حذف برخی مباحث تکراری به تدوین این کتاب پرداخته‌اند. ترتیب فصول، خواننده را مجبور به انتخاب فصول موردنظر و تنظیم مجدد آن‌ها می‌کند.

۵- مشارکت دو نویسنده در خلق این اثر، متضمن محاسن و معایبی است. حسن این اثر، بهره‌گیری از اطلاعات گسترده‌ی دو نویسنده‌ی روزنامه‌نگار است؛ اما اشکال این اثر نیز در این است که نثر نسبتاً متفاوت نویسندگان و عدم توجه آن‌ها برای حذف مطالب تکراری و غیرضروری، موجب ملال خوانندگان

مطالب مندرج در این کتاب، ماهیتی ژورنالیستی و توصیفی دارد و در آن بیش‌تر به شرح وقایع و رخدادهایی پرداخته می‌شود که در طول زمان جنگ رخ داده است. از این‌رو، مطالب این کتاب براساس یک خط سیر مشخص پژوهشی ترتیب و انتظام نیافته‌اند و بیش‌تر سوار بر امواج تحولاتی است که در بستر جنگ پدیدار شده است.

۲- با توجه به این‌که نویسندگان، فرضیه‌ی اصلی خود را مبتنی بر نقش عوامل فکری - ارزشی در آغاز جنگ میان دو طرف می‌دانند؛ اما در هیچ یک از فصل‌های کتاب، این فرضیه‌ی آن‌ها به صورت دقیق و روشن مورد تبیین قرار نمی‌گیرد تا صحت و سقم آن ارزیابی شود. از این‌رو، نویسندگان بیش از آن‌که براساس فرضیه‌ی مذکور به بحث پیرامون چرایی و چگونگی جنگ بپردازند، بیش‌تر به ارائه‌ی داده‌های خبری در قالبی وقایع‌نگارانه می‌پردازند.

۳- استفاده نویسندگان از واژه‌ی *The Gulf* و *The Arab Gulf* (مجموع) که بر روی هیچ نقشه‌ای وجود خارجی ندارند، موجب گمراهی خوانندگان می‌شود. عنوان اصلی کتاب نیز «جنگ خلیج»^۱ است.

1- The Gulf War

نکته‌ی آخر این‌که: علی‌رغم این انتقادات، این کتاب یکی از ارزنده‌ترین منابعی است که می‌تواند به‌نحوی جامع، دقیق و غیرجانبدارانه، جنگ ایران و عراق را روایت نماید. این کتاب با بررسی دقیق و مفصل وقایعی که از آغاز تا پایان جنگ عراق علیه ایران به‌وجود آمده است، تلاش می‌نماید درکی دقیق و مستند از این رویداد عظیم ارایه نماید.

علی‌اشرف نظری

E-Mail: nazarian2004@yahoo.com

می‌شود. هم‌چنین حجم گسترده‌ی کتاب که مشتمل بر ۱۵ فصل و ۳۰۹ صفحه است نیز اگر عیب تلقی نشود، حُسن قلمداد نخواهد شد.

۶- کتاب بدون یک نتیجه‌گیری جامع و ارزیابی دقیق مسایل به پایان می‌رسد. از این‌رو، نویسندگان بدون توجه به الزامات پژوهشی یک کتاب، در پایان، تحلیلی دقیق از فرضیه‌ی خود ارایه نمی‌دهند و این کتاب در انتهای خود نیز ناتمام است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی